

بررسی نقش گفتمان پان ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سجاد ابراهیمی ۱

احسان شاکری خویی ۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۱۱

تاریخ تصویب: ۹۴/۰۶/۱۷

چکیده

مسأله امنیت ملی، مهم ترین و حیاتی ترین عامل ثبات و قوام یک حکومت است و قومیت گرایی همواره یکی از عوامل تأثیرگذار بر امنیت ملی تلقی می گردد. در این میان تحولات قوم گرایی مربوط به قوم آذری به عنوان بزرگ ترین اقلیت قومی در ایران رابطه و جایگاه آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. در این مقاله سعی شده است با نگاه گفتمانی، افراطی ترین شکل قوم گرایی (پان ترکیسم) تبیین و تشریح شود و رابطه آن با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ترسیم گردد، که طی این مقاله نشان داده می شود: گفتمان پان ترکیسم برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تهدید می باشد.

واژگان کلیدی: گفتمان، قومیت، قوم گرایی، امنیت ملی، پان ترکیسم

1-فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران ss_ebrahimi71@yahoo.com
2-استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران ehsanshakeri@iaut.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

بررسی چالش‌های امنیتی و عوامل تأثیرگذار در امنیت ملی، همواره مورد توجه حاکمان و استراتژیست‌های هر نظام سیاسی بوده است، چراکه امنیت ملی شرط اولیه و البته مهم‌ترین شرط حفظ، بقا، پیشرفت و ترقی هر کشور، در همه‌ی زمینه‌ها محسوب می‌شود. در این میان بحث تفاوت‌های قومی و زبانی، یکی از چالش‌های امنیتی کشورها، به خصوص کشورهای کثیرالقومی مثل ایران بوده و مدیریت، نگرش و برنامه‌ریزی برای قومیت‌ها، در تضعیف و یا تقویت امنیت ملی نقش تأثیرگذاری خواهد داشت.

در این میان جمهوری اسلامی ایران، به جهت اینکه اقوام زبانی متعددی را در درون خود جای داده است، حفظ حاکمیت و انسجام ملی آن در گرو مدیریت و توجه جدی به این تنوع زبانی و قومی می‌باشد.

با توجه به اینکه بزرگترین اقلیت قومی در ایران آذری‌ها هستند؛ بررسی پدیده‌ی قوم‌گرایی آذری و البته رابطه‌ی آن با امنیت ملی امری مهم و مسأله‌ای استراتژیک قلمداد می‌شود. لیکن بررسی و تبیین پدیده‌ی قوم‌گرایی آذری، در یک نگاه خطی امکان‌پذیر نمی‌باشد، چراکه قوم‌گرایی و تعلق قومی در جامعه ترک‌زبان ایران (ترکی‌آذربایجانی) دارای مراتب، درجات و سطوح مختلفی می‌باشد و همه‌ی افراد و گروه‌های قوم‌گرا را نمی‌توان در یک سطح واحد، با اهداف یکسان تعریف نمود و به تبع آن نمی‌توان برای همگی آنها یک جایگاه در امنیت ملی قایل شد. اما آنچه در این مقاله مورد بحث است: افراطی‌ترین شکل قوم‌گرایی آذری می‌باشد که به پان‌ترکیسم معروف شده است، فلذا در این مقاله سعی شده است، ضمن تبیین و تشریح گفتمان پان‌ترکیسم و نیز مشخص کردن نشانه‌های گفتمانی آن، به روشن ساختن رابطه‌ی این گفتمان با مقوله‌ی مهم و کلیدی امنیت ملی پرداخته شود.

لازم به ذکر است در بررسی و شناخت قوم‌گرایی آذری استفاده از روش تک‌بعدی و خطی کارایی نخواهد داشت، چرا که پدیده‌ی قوم‌گرایی برای معنادار شدن باید درون یک نظام (منظومه) گفتمانی قرار بگیرد. یعنی بدون تأکید بر خصلت و ماهیت رابطه‌ی هویت، نه می‌توان اجزا و نه کل قوم‌گرایی را فهمید. به این مفهوم که معانی اجتماعی، واژگان، مفاهیم، اعمال و نهادهای قوم‌گرا را تنها با توجه به بافت گفتمانی که اینها بخشی از آن هستند می‌شود درک کرد، بنابراین نگاه گفتمانی بر قوم‌گرایی آذری کارسازتر خواهد بود، از همین رو در این مقاله از نظریه گفتمان و روش تحلیل گفتمانی بهره گرفته شده است.

۱- تعریف مفاهیم

مقاله حاضر با تکیه بر چند مفهوم علمی شامل: نظریه گفتمان، تحلیل گفتمانی، قومیت، قوم‌گرایی و امنیت ملی تدوین شده است که در ذیل تعریف مختصری از آنها ارائه می‌شود.

۱-۱- نظریه گفتمان و تحلیل گفتمانی

نظریه گفتمان با نقش معنا دار رفتارها و ایده‌های اجتماعی در زندگی سیاسی سرو کار دارد. این نظریه به تحلیل شیوه‌ای می‌پردازد که طی آن سیستم‌های معانی یا «گفتمان‌ها»، فهم مردم را از نقش خود در جامعه شکل می‌دهند و بر فعالیت‌های سیاسی آنها تاثیر می‌گذارند. اما گفتمان‌ها همان ایدئولوژی‌ها به معنای سنتی کلمه _ یعنی مجموعه‌ای از ایده‌ها که توسط آن کنشگران اجتماعی به توضیح و توجیه کنش سازمان یافته خود می‌پردازند _ نیستند. مفهوم گفتمان شامل انواع رفتارهای اجتماعی و سیاسی و همچنین نهادها و سازمانهاست. (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۱۹۵)

امروزه نظریه‌های گفتمانی به حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی سرایت کرده و شاخه‌های متنوعی از این نظریه شکل گرفته است، ولی به نظر می‌رسد در حوزه‌ی سیاست و تبیین گفتمان‌های سیاسی نظریه‌های ارنستو لاکلا و چنتال موف (مشهور به مکتب اسکس) از شهرت و اعتبار بیشتری برخوردار هستند. از دیدگاه لاکلا و موف، گفتمان‌ها تصور ما از حقیقت و جهان را شکل می‌دهند و فهم امور اجتماعی و سیاسی و به طور کلی جهان حقیقت، تنها در درون ساخت‌های گفتمانی امکان‌پذیر است. به طور کلی، در این نگرش به گفتمان، شیوه یا شیوه‌هایی که در آن، نظام‌های معانی یا «گفتمان‌ها»، فهم مردم را از خود در جامعه شکل می‌دهند. هویت‌ها و روابط اجتماعی نیز محصول زبان و گفتمان‌ها هستند و تغییر در گفتمان، تغییر در جهان اجتماعی را به همراه خواهد داشت. (صدرا، ۱۳۸۷: ۲)

گفتمان، یک منظومه‌ی معنایی است که واژه‌ها و نشانه‌های آن در کنار هم و در پیوند با یکدیگر مجموعه‌ای معنادار را می‌آفریند. به عبارتی دیگر گفتمان کلیت ساختاردهی شده‌ای است که محصول عمل مفصل بندی است. منظومه و نظام‌هایی که درون آنها نشانه‌ها با توجه به تفاوت و تمایزی که بین آنها ایجاد می‌کنند (بر اساس قرارداد) هویت و معنا پیدا می‌کند. بنابر این، بدین نحو و با استفاده از نظریه گفتمان امکان تحلیل صحیح، برای درک و فهم پدیده‌های اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آید.

۱-۲- قومیت

معنای این اصطلاح، می تواند به معنای جوهره یک گروه قومی یا ویژگی ای متعلق به یک اجتماع یا گروه قومی یا آنچه که شما - اگر یک گروه قومی باشید - دارا خواهید بود، باشد همچنین ممکن است به یک حوزه مطالعاتی اشاره داشته باشد، یعنی حوزه ای که به امر طبقه بندی مردم و روابط میان گروه ها در یک چارچوب تمایزات «خود - دیگری» اختصاص دارد. (مرشدی زاده، ۱۳۸۰: ۱۱-۱۲ با تلخیص)

همچنین "اندرو هیوود" قومیت را چنین تعریف می کند: «قومیت عبارت است از احساس وفاداری به مردم، گروه فرهنگی و سرزمینی خاص. به طور کلی، قومیت را شکلی از هویت فرهنگی می دانند، البته هویتی که در سطح عمیق و برانگیزنده عمل می کند. هر فرهنگ قومی شامل ارزش ها، سنت ها و روش هاست و به طور معمول با توجه به خاستگاه ها و نسل و تبار مردم، هویتی مشترک و احساس متفاوت بودن به آنها می دهد. عده ای ملت را گروه قومی گسترده می دانند، دیگران مصرأً بر این عقیده اند که گروه های قومی از اصل فرهنگی اند و انحصاری و بسته (نمی توان به یک گروه قومی پیوست)، اما ملت ها باز و دربرگیرنده ترند، و در تحلیل نهایی به لحاظ سیاسی تعریف می شوند.» (هیوود، ۱۳۸۹: ۲۴۷)

از کلیه ی تعاریف صورت گرفته از قومیت چنین بر می آید که یک گروه قومی، اجتماع کوچکی از انسان ها در درون جامعه ای بزرگتر است که به صورت واقعی یا احساسی، دارای اصل و نسبت مشترک، خاطرات مشترک و گذشته ی تاریخی و فرهنگی مشترک است و نیز دارای یک یا چند عنصر سمبلیک نظیر خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک می باشد که «هویت گروهی آنان را از گروه های دیگر متمایز می سازد و اعضای آن به تعلقات گروهی - قومی خویش آگاهی دارند.» (عظیمی، ۱۳۸۵: ۶۵)

بررسی نقش گفتمان پان ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

۱-۳- قوم گرایی

هر انسانی تمایل دارد که هویت خود را آگاهانه در یک گروه خاص جستجو کند هویت می تواند در چندین سطح ممکن باشد و هر فردی می تواند به صورت هم زمان و به شکل عادی چندین هویت را بپذیرد. با وجود این، هر انسانی بنا به مورد و با توجه به تعلقی که دارد، به این یا آن سطح متفاوت، اهمیت بیشتری می دهد و این تعلق ها را درسلسله مراتبی از وفاداری های درونی و پذیرفته شده جا می دهد. هویت یابی افراد در گروه ها، سرچشمه ی نیروی روانی، توازن و شکوفایی شخصیتی است. (برتون، ۱۳۸۰: ۵۵)

هویت های قومی در صورت تبدیل شدن به قوم گرایی افراطی و احساس برتری و سلطه بر اقوام دیگر می تواند منشأ تعارض قومی و مانع همبستگی و انسجام جمعی عام در سطح جامعه باشد. در نگاه وسیع تر به قوم گرایی؛ علاقه و تعلق خاطر به آداب و رسوم، زبان، و سرزمین قومی و مادری یک گرایش ذاتی و غیر اکتسابی برای همه ی انسان ها می باشد. لیکن این حس و گرایش می تواند از پایین ترین درجه تعلق خاطر قومی (علاقه مندی به قوم خود با رعایت احترام به اقوام دیگر) شروع شود و تا بالاترین حد آن که یک حالت شووینیستی است، برسد. لذا وقتی از قوم گرایی صحبت می شود صحبت از یک گروه، یک فکر، یک حالت جامعه شناختی و ... نیست بلکه صحبت از یک طیف گسترده ای از گرایش ها و رفتارهاست، به طوری که می توان درجاتی را برای قوم گرایی قایل شد. با توجه به همین واقعیت لازم است متذکر شد، در این مقاله تنها افراطی ترین وجه قوم گرایی آذری که به پان ترکیسم موسوم شده است بررسی می گردد.

۱-۴- امنیت ملی

امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تامین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد. بنابراین؛ بقا، حفظ و افزایش قدرت، حفظ جان مردم، حفظ تمامیت ارضی، حفظ نظام اقتصادی و سیاسی و همچنین حفظ استقلال و حاکمیت کشور را می توان جوهره امنیت ملی به شمار آورد.

از نظر والتر لیپمن؛ هر ملتی تا جایی دارای امنیت است که در صورت توسل نکردن به جنگ مجبور به رها نمودن ارزش های محوری نباشد و چنانچه در معرض چالش قرار گیرد بتواند با پیروزی در جنگ آنها را حفظ کند. (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۱)

لازم به ذکر است، در نگاه سنتی به امنیت ملی؛ ضمن قایل شدن نقش اساسی برای دولت در معماری ساختمان امنیتی جامعه، توانایی ها و شیوه های نظامی اساسی ترین ابزار تأمین امنیت ملی کشورها دانسته می شود و تهدید نظامی مهمترین شکل تهدید و شاید تنها تهدید بر انداز در نزد دولت - کشورها محسوب می گردد. اما در نگاه جدید به امنیت ملی؛ «به جای «سلبی نگری» درباره امنیت، بیشتر به بعد «ایجابی» و «تأسیسی» آن پرداخته شود. ماهیت تأسیسی امنیت، بر وجود «اطمینان خاطر» نزد شهروندان دلالت دارد. بر این اساس امنیت ملی، مجموعه توانمندی های یک نظام برای دست یابی به «منافع ملی» را شامل می شود که «نبود تهدید» صرفاً مقدمه آن محسوب می گردد. در «امنیت اطمینان بخش» ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی یک ملت مورد توجه قرار می گیرد و از این رو جایگاه سایر عوامل تأثیرگذار مانند عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به هیچ وجه کمتر از عوامل نظامی گری تصور نمی شود. در واقع نگاه نوین به امنیت، نگاهی چند سویه است که بر اساس آن، چه در سطح عوامل امنیت زا و چه در سطح عوامل امنیت زدا، موضوعات متنوعی اثر گذار می باشند.» (ولپور زرومی، ۱۳۸۳: ۲۱)

۲- مفهوم پان ترکیسم

۲-۱- مفهوم اولیه پان ترکیسم

«پان»، در زبان لاتین پیشوندی است به معنای «همه». در قرن نوزدهم و بیستم ابتدا در اروپا و سپس در آسیا و آفریقا جنبش های سیاسی پیدا شد که با آوردن این پیشوند بر سر نام یک کشور یا نژاد یا دین خود را نامگذاری کردند و هدفشان گردآوری مردم هم نژاد یا هم زبان یا همدین، به نام یک ملت یا امت یا نژاد، در یک واحد قدرت ملی یا دولت بوده است. از نامدارترین این جنبش ها: پان اسلامیسیم، پان اسلامیسیم، پان ژرمنیسیم است. (آشوری، ۱۳۸۷: ۷۸)

با این مقدمه اندیشه پان ترکیسم، عقیده ای مبتنی بر اتحاد و انسجام همه ی اقوام و ملل با نژاد ترک می باشد. بنابر این پان ترکیست ها اولین و اساسی ترین عامل در اتحاد نژاد ترک را «زبان» می

بررسی نقش گفتمان پان ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

داند و عوامل دیگری از قبیل مذهب، آداب و رسوم، تاریخ مشترک و وطن مشترک در درجات بعدی اهمیت قرار دارد.

پان ترکیسم به لحاظ ماهیت، یک ایدئولوژی نژادپرستانه است و شعار « برتری نژاد ترک بر سایر نژادها» در نوشته های اغلب نویسندگان پان ترکیست قابل مشاهده می باشد. پان ترکیسم به همان اندازه که یک ایدئولوژی نژادگرایانه است، به شدت رمانتیک و تخیلی نیز هست. تأکید بر یگانگی نژاد ترک در کشورهای پراکنده دارای لهجه های متفاوت ترکی، ایجاد یک امپراتوری رؤیایی از دل اروپا تا دل چین، استفاده از نمادهای چون گرگ خاکستری (بوزقورت) در نشریات و تبلیغات گروه های پان ترکیست _ نظیر حزب حرکت ملی _ نمونه ی این رمانتیسم و تخیل گرایی است. (لانگو، ۱۳۸۲: ۱۵)

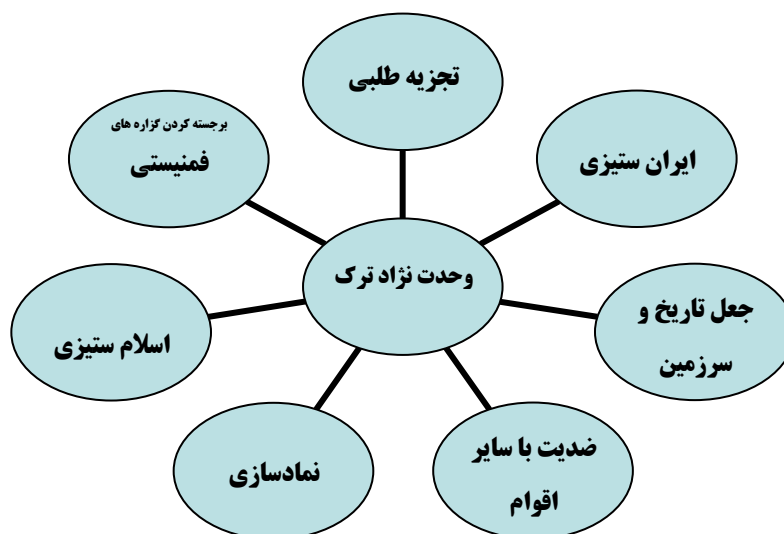
۲-۲- پان ترکیسم و پان آدریسم

هرچند از لحاظ تاریخی سابقه تفکر پان ترکیسم را به دوران حیات امپراتوری عثمانی مربوط دانسته اند، در حالی که پان آدریسم از اواخر قرن بیستم پیداشده است و همچنین هرچند پان آدریسم را حرکتی برای اتحاد دو آذربایجان (جمهوری آذربایجان و مناطق آذری نشین جمهوری اسلامی ایران) تعریف کرده اند؛ اما پان ترکیسم در پی ایجاد ترکستان بزرگ است. لیکن با وجود این از لحاظ اندیشه، تأثیرپذیری فعالان طرفدار پان آدریسم از تئورسین ها و مبلغین اندیشه ناسیونالیسم ترک، واضح و روشنی است. ناسیونالیست های آذری، مایه های فکری خود را از منابع و مبانی پان ترکیسم عاریت گرفته اند و تحت تأثیر این ایدئولوژی قرار داشته اند. به این ترتیب، پان آدریسم و پان ترکیسم از لحاظ مبانی، از مبنای واحدی برخوردار می باشند و از مشترکات آن دو، نژاد گرایی، اعتقاد به ضدیت با ایرانیان، تفکر ضد شیعی، الحاق گرایی و تجزیه طلبی می باشد. (پورقلی، ۱۳۸۶: ۱۸۶)

بنابر این پان ترکیسم و پان آدریسم، در اهداف و حتی نوع رویکرد، نحوه ی عمل و سیاستگذاریشان نسبت به ایران مشابه می باشد و می توان گفت هر دو اندیشه آبخخور معرفتی یکسانی دارند. لیکن در یک تقسیم بندی گفتمانی هر دو اندیشه و جنبش را می توان در قالب یک گفتمان دید و بررسی نمود. لذا در این مقاله با عنایت به همین مطلب و نیز با توجه به جامعیت پان ترکیسم نسبت به پان آدریسم و همچنین به خاطر رواج عمومی پان ترکیسم نسبت به پان آدریسم در جامعه ایرانی، نام گفتمان مور بحث " پان ترکیسم " انتخاب شده است.

۳- نشانه های گفتمان پان ترکیسم

چنانچه گفته شد، گفتمان، یک منظومه ی معنایی است که واژه ها و نشانه های آن در کنار هم و در پیوند با یکدیگر مجموعه ای معنادار را می آفریند. منظومه و نظام هایی که درون آنها، نشانه ها با توجه به تفاوت و تمایزی که بین آنها ایجاد می کنند، هویت و معنا پیدا می کنند. اگر منظومه ی گفتمانی را متشکل از نشانه های گفتمانی بدانیم هسته ی مرکزی این گفتمان، دال مرکزی است، که نشانه های گفتمانی در اطراف این دال مرکزی سامان دهی می شوند. در گفتمان پان ترکیسم، نشانه ها و مفهوم های اسلام ستیزی، تجزیه طلبی، ایران ستیزی، ضدیت با سایر اقوام، جعل تاریخ و سرزمین، نمادسازی و فمینیسم، در کنار مفهوم مرکزی "وحدت نژاد ترک" معنا می شوند.



«نمایی کلی از گفتمان پان ترکیسم»

۳-۱- وحدت نژاد ترک

چنانچه اشاره شد، پان ترکیسم به عنوان ایدئولوژی قومی و جنبش سیاسی فرهنگی در قرن نوزدهم توسط گروهی از روشنفکران عثمانی که تحت تأثیر ناسیونالیسم غیرمذهبی غربی قرار گرفته بودند، پا به عرصه ی وجود گذاشت. این گروه که «عثمانی های جوان» نام داشتند، اولین محفل ناسیونالیستی را در امپراتوری عثمانی تشکیل دادند و معتقد بودند که ناسیونالیسم خواهد توانست روحی

بررسی نقش گفتمان پان ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تازه در کالبد جامعه بدمد و معضلات آن را حل کند. این گروه مشوق اصلاحات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی بودند. این اصلاحات که در فاصله ی سال های ۱۸۳۸ تا ۱۸۸۶ صورت پذیرفت به «تنظیمات» معروف شد. (روحی، ۱۳۸۱: ۱۶۲)

گروه جدیدی از روشنفکران تحصیلکرده اروپا در اواخر قرن نوزدهم و آغاز سده بیستم راه عثمانی های جوان را دنبال کردند، این گروه که به «ترک های جوان» معروف شدند، نخست کوشیدند؛ پان اسلامیسیم را به خدمت پان ترکیسم درآورند و حاکمیت ترکان را در سراسر کشورهای اسلامی خاورمیانه نزدیک مستقر گردانند. ترکان جوان از یک سو درباره ی اتحاد اسلام سخن می گفتند و از سوی دیگر پان ترکیسم را تبلیغ می کردند. کمیته مرکزی حزب «اتحاد مترقی» در سال ۱۹۱۱ مدعی رواج زبان ترکی در سراسر امپراتوری اسلامی شد و آن را شرط لازم برای تثبیت حاکمیت ترکان و استحاله ی دیگر ملت ها دانست. (رضا، ۱۳۷۲: ۶۰)

در امپراتوری عثمانی ایدئولوژی پان اسلامیسیم به عنوان وسیله ای در خدمت پان ترکیسم قرار گرفت، ولی در دوران ضعف امپراتوری مذکور ایدئولوژی پان اسلامیسیم اندک اندک از پان ترکیسم جدا شد و اتحاد ترکان سراسر جهان را در پیش گرفت. در این رهگذر ضمن تلاش های سیاسی به کوشش های علمی در مسیر یکی شدن تاریخ و گذشته اقوام و ملل ترک زبان پرداخته شد. پان ترک ها از پیشینه ترکی - مغولی (یا به تعبیر خودشان تورانی) بشمار الهام می گرفتند تا از تمدن اسلامی. ضیاء گوک آلپ، مشهورترین نظریه پرداز پان ترکیسم در یکی از آثار خود می نویسد: «هدف ما این است که صد میلیون ترک را در ملتی واحد متحد گردانیم.» (همان: ۶۱)

بنابراین پان ترکیسم، عقیده ای مبتنی بر اتحاد و انسجام همه ی اقوام و ملل با نژاد ترک می باشد. پان ترکیست ها اولین و اساسی ترین عامل در اتحاد نژاد ترک را «زبان» می دانند و عوامل دیگری از قبیل مذهب، آداب و رسوم، تاریخ مشترک و وطن مشترک در درجات بعدی اهمیت قرار دارند. پان ترکیسم نژاد ترک را بر سایر نژادها برتری داده و با یک رویکرد نژادپرستانه به دنبال اتحاد همه ترک ها در سرتاسر جهان است و از این روست که همواره به دنبال الحاق سرزمین های دارای جمعیت ترک زبان بوده و در این راستا در از بین بردن سایر اقوام هم ابائی ندارد.

۳-۲- اسلام ستیزی

مبانی و اندیشه‌ی اصیل اسلامی رابطه‌ی معکوسی با هرگونه قوم‌گرایی افراطی داشته است و اصولاً قوم‌گرایی افراطی و اسلام دو مقوله‌ی ناسازگار و غیر همسان هستند، فلذا با گسترش هرچه بیشتر معارف و اصول ناب اسلامی در هر کشوری، فعالیت‌های قوم‌گرایی افراطی مثل پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم محدود شده و اجازه‌ی بروز و ظهور نخواهد یافت. بنابراین آنچه روشن و بدیهی به نظر می‌رسد اینکه: «اسلام ستیزی» یکی از نشانه‌های گفتمان پان‌ترکیسم را تشکیل می‌دهد، چراکه حیات و بقای این گفتمان با ضدیت با اسلام اصیل گره خورده است. چنانچه می‌توان گفت: «پان‌ترکیسم یک ایدئولوژی سیاسی غیر مذهبی است و یکی از جنبه‌های آن، حذف مذهب از صحنه زندگی انسان و تسری فرهنگ ترکی به همه زمینه‌های زندگی اجتماعی می‌باشد.» (پورقلی، ۱۳۸۶: ۱۸۰)

از این روست که همواره، ایجاد یک حکومت لائیک و غیره دینی همواره در جمهوری آذربایجان از سوی محافظ‌ترکیه و غرب گرا دنبال می‌شود و این روند مورد حمایت محافظ پان‌ترکیستی و پان‌آدریستی نیز است. تلاش نخبگان غرب‌گرا برای پیاده کردن یک مدل حکومتی لائیک همانند ترکیه خود یکی از عوامل محدود شدن فعالیت‌های اسلامی در جمهوری آذربایجان شده است. چنانچه بر اساس ماده ۶ قانون اساسی جمهوری آذربایجان دولت باکو، لائیک و ملی عنوان شده است. در پی رواج اندیشه پان‌ترکیسم است که در طی سالیان گذشته تا امروز همواره اخبار، رویدادها و سیاست‌های ضداسلامی و ضدشیعی را در جمهوری آذربایجان شاهد هستیم، که در این خصوص می‌توان به مواردی همچون تخریب یا تعطیلی مساجد، تعطیل کردن مدارس علوم دینی و اعمال محدودیت سخت برای طلاب علوم دینی، حذف درس معارف دینی، تصویب قانون جدید حدود آزادی اعتقادات دینی و منع حجاب، ترویج فرقه‌گرایی و خرافه‌گرایی (کریشنا، نورچی و...)، ترویج وهابیت، ممنوعیت تأسیس دفاتر مراجع، ممنوعیت فروش توضیح المسائل مراجع، برگزاری جشنواره مبتدل یوروویژن ۲۰۱۲ در باکو، رژه هم‌جنس‌گرایان در باکو، برگزاری جشنواره شراب گنجه و ... اشاره داشت.

در ترکیه نیز بر اساس آموزه‌های آتاترک، مقامات نظامی بر لزوم سرکوب اسلام‌گرایان و تهدید فعالیت‌های گروه‌های اسلامی و احزاب و مطبوعات اسلام‌گرا تأکید می‌کنند. در این راه حتی به صورت غیر قانونی در سال ۱۹۹۷ حزب اسلام‌گرای رفاه را منحل کرده و برخی از روزنامه‌های اسلام‌گرا چون روزنامه اسلام‌گرای آکیت را تعطیل کردند. (کاظمی، ۱۳۸۵: ۶۱)

بررسی نقش گفتمان پان ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

لازم به ذکر است، رویکرد اسلام ستیزانه جریان پان ترکیسم و به تبع آن جریان پان آدریسم در خارج از مرز های جمهوری اسلامی ایران، بر روی مناطق آذری نشین ایران نیز تأثیرگذار بوده و از طرق مختلف مثل شبکه های ماهواره ای، ارتباط اتباع جمهوری آذربایجان و ترکیه با ایرانی ها به مناسبت های تجارت، سیاحت، گسترش ادامه تحصیل دانشجویان ایرانی در کشورهای آذربایجان و ترکیه و... تدین و دینداری مردم ایران را با مخاطره مواجه می سازد. مخصوصاً اینکه با همراهی غرب و به ویژه اسرائیل برنامه های دین ستیزانه مخصوص ایران در قالب همین مفاهیم پان ترکیسم وارد کشور ما می شود.

۳-۳- تجزیه طلبی

پان ترکیسم یک فکر، ایدئولوژی و جنبش الحاق گرایه بوده است و هدف و رویکرد آن الحاق همه ی سرزمین های دارای جمعیت ترک می باشد، حال این الحاق گری در اندازه ی توران بزرگ باشد، یا در اندازه حکومت اغوزی تعریف شود و یا در اندازه ی آذربایجان واحد محدود گردد. در هر حال گروه های پان ترکی از همان دهه اول قرن بیست، طرح الحاق گرایانه خود را نسبت به مناطق آذری نشین ایران و حتی در کشورهای هایی مثل عراق و افغانستان دنبال کرده اند و گاه به ویژه در سال های حاکمیت «ترکان جوان» و احتمالاً سالهای پس از فروپاشی شوروی به فعالیت های سازمانی برای پیشبرد پروژه الحاق گرایانه پان ترکی در ایران، دو کشور دیگر عراق و افغانستان نیز دست می زده اند. (لاندو، ۱۳۸۲: ۱۵) همچنین وقتی ضیاء گوک آلف از ملت واحد صد میلیونی سخن می گوید (رضا، ۱۳۷۲: ۶۱)، گویای این مطلب است که «تجزیه طلبی» در کشورهای مورد هدف آنها، هسته ی مرکزی اقدام و حمله ی جنبش پان ترکیسم را تشکیل می دهد. لذا ناگفته پیداست که هدف پیدا و پنهان همه گروه های پان ترکیسم و به تبع آن پان آدریسم تجزیه ی مناطق آذری نشین ایران و الحاق آن به واحدی بزرگتر که تعریف آن را در آرمان های شووینستی خود دیده اند، می باشد.

در اینجا برای نشان دادن رویکرد تجزیه طلبانه ی پان ترکیسم به اساسنامه ها و نمادهای برخی از گروه های پان ترکی که نشانه ی «تجزیه طلبی» و اهداف الحاق گرایانه ی پان ترکی در آنها گنجانده شده است به عنوان نمونه اشاره می شود:

بند اول اساسنامه گروه «یئنی گاموج» (حرکت نویداری ملی آذربایجان جنوبی): تشکیلات "حرکت نویداری ملی آذربایجان جنوبی" (یئنی گاموج) تشکیلاتی است سیاسی، اجتماعی که برای

وحدت، آزادی ملی، دموکراتیک شدن، پیشرفت و رفاه عمومی ملت تورک آذربایجان جنوبی مبارزه می‌نماید. (سایت یعنی گاموح، بی تا)

بند دوم اساسنامه حزب «گاسپ- Gasp» (سوسیال دموکرات آذربایجان جنوبی): حزب سوسیال دموکرات آذربایجان جنوبی «گاسپ» در راه آزادی و استقلال آذربایجان جنوبی علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران به سرکرده گی شوینیسف فارس مبارزه می‌نماید. (سایت حزب سوسیال دموکرات آذربایجان جنوبی، بی تا)

همچنین در لوگوی سایت های اینترنتی این گروه ها و نمادهای منتسب به آنها همین اصل تجزیه طلبی هویداست. افزون بر این برخی از این گروه ها برای آذربایجان ایران، پرچم نیز طراحی کرده اند؛ از جمله می‌توان به پرچم پیشنهادی گروه های گایپ و گاموح برای (به اصطلاح خودشان) آذربایجان جنوبی اشاره کرد.

حتی اگر به اسامی گروه ها و احزاب پان ترکیستی توجه کنیم؛ خود این اسامی ما را به اهداف تجزیه طلبانه آنها متوجه می‌سازد. گروه هایی مثل: گایپ (گونی آذربایجان ایستقلال پارتیاسی - حزب استقلال آذربایجان جنوبی)، گاموح (گونی آذربایجان میلی اوپانیش حرکاتی - حرکت بیداری ملی آذربایجان جنوبی)، جاماح (جنوبی آذربایجان ملی آزادلیق حرکتی - جنبش آزادیبخش ملی آذربایجان جنوبی)، گادپ (گونی آذربایجان دئموکرات پارتیاسی - حزب دموکرات آذربایجان جنوبی) و...

۳-۴- ایران ستیزی

جامعه فکری - سیاسی و افکار عمومی ایران نسبت به شناخت پدیده ی پان ترکیسم بسیار علاقه مند می‌باشند، چراکه بین ایدئولوژی مذکور و منافع و البته امنیت ملی ایران همواره ارتباطی تنگاتنگ وجود داشته است، به طوری که به جرأت می‌توان گفت: «پان ترکیسم از همان آغاز، ایران، فرهنگ ایرانی و بخش هایی از سرزمین آن را هدف قرار داده و دعاوی الحاق گرایانه ای خود را با آن دنبال می‌کرد.» (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۸۵) بنابراین بی تردید "ایران ستیزی" یکی از نشانه های اصلی گفتمان پان ترکیسم محسوب می‌شود.

پان ترکیسم از همان آغاز برای پیشروی خود به سوی شرق (آسیای میانه و چین) با مانعی به نام ایران روبرو شد. لذا از همان ابتدا تهاجم پان ترکیسم متوجه ایران، یکپارچگی سرزمینی، تمدن و فرهنگ مردمان آن شد. لذا تلاش های قلمی و لفظی فعالان پان ترکیست، در دوره ی عثمانی علیه ایران و

بررسی نقش گفتمان پان ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تمامیت سرزمین و فرهنگ آن را به دنبال داشت که پاسخ ایرانیان به حملات و عقاید افراطی چون سلیمان لطیف و روشنی بیگ، تأکید بر وحدت ملی ایران و دفاع از زبان فارسی بود. این امر بیش از هر جا در آذربایجان و میان روشنفکران آذری مشاهده می شد؛ روشنی بیگ یکی از سردمداران ضد ایرانی پان ترکیسم می باشد. که در جریان جنگ جهانی اول مدت ها در ایران و افغانستان به تبلیغات پان ترکی مشغول بود و بعدها در زمره ی نخستین آتش بیاران معرکه ی ایران و ترکیه بود. اظهارات روشنی بیگ مبنی بر ترک بودن همه ی ایرانی ها بجز تعدادی فارس پراکنده در بیابان ها و توهین به ایران و فرهنگ ایرانی و مردم ایران با واکنش نخست دیپلمات های ایران در ترکیه و سرانجام مقالات مهم علی صادقی تبریزی (برجسته ترین پاسخگوی ایرانی به مواضع پان ترکیست ها) شد. مواضع ضد ایرانی پان ترکیست ها همچنان ادامه داشت تا اینکه توسط سلیمان لطیف سخنرانی ایراد شد که در آن آذری های ایران را «برادران یتیم ما» و زرتشت را «پیامبر ترک» خوانده بود. (بیات، ۱۳۸۷: ۶۳-۱)

از دید برخی از پژوهشگران، یکی از عناصر و مولفه های اندیشه پان ترکیسم، حرکت مبتنی بر «ایرانی زدایی» بود که از قسطنطنیه (استانبول) آغاز شد. در منطقه قفقاز نیز با حمایت روس ها، مبارزه علیه فرهنگ و زبان فارسی آغاز شد. فلذا انتقاد از سنت های مذهبی شیعیان و حمله به میراث فرهنگی ایران و جلوگیری از نفوذ آن، بخشی از ایده پان ترکیسم می باشد. به عنوان نمونه می توان به محتوای روزنامه پان ترکی "اکنچی" اشاره کرد؛ این جریده به طور آشکار مطالب ضد ایرانی و ضد فارسی منتشر و گرایش پان ترکیسم را ترویج و تبلیغ می کرد. نشریه دیگر با عنوان "ملانصر الدین" مطالب ضد ایرانی و ضد تشیع منتشر می کرد. فعالان سیاسی پان ترکیسم، با مطرح نمودن پدیده هایی متمایز از هویت ایرانی، تلاش می کردند با تفسیر تاریخ آذربایجان، هویت ایرانی را از آذربایجان انکار کنند. (پورقلی، ۱۳۸۶: ۱۹۰)

۳-۵- جعل تاریخ و سرزمین

یکی از سیاست های اصلی پان ترکیست ها تاریخ سازی یا به عبارت دیگر سرقت تاریخ، جعل تاریخ و سرزمین و نیز شخصیت سازی است؛ به گفته ولادیمیر مینورسکی خاورشناس روس: «هر جا که پرسش حل نشده ای در زمینه ی فرهنگ قوم های شرق باستان پدید آید ترکان بی درنگ دست خود را همان جا دراز می کنند.» مینورسکی ضمن انتقاد از روش مورخان پان ترکیست، بیان می دارد که

«مسائل علمی حل نشده‌ای در زمینه ی فرهنگ اقوام شرق باستان» بستری برای جعل تاریخی و توجیه مقاصد ایدئولوژیک پان ترکیسم فراهم ساخته است. (ورامینی، ۱۳۹۲)

از اواخر جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵ م) تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از طرف دولت شوروی سابق، کوشش هایی برای جداسازی آذربایجان از ایران و الحاق آن به جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان به عمل آمد که خوشبختانه با ناکامی مطلق روبه رو گردید. اما پس از تجربه ی ناموفق تجزیه ی آذربایجان به دست سیدجعفر پیشه وری و فرقه ی دموکرات او_ در زمانی که آذربایجان و ایالات شمالی ایران تحت اشغال ارتش سرخ بود_ ظاهراً دولت شوروی متوجه شد که تصرف ایران از طریق نظامی عملی نیست، پس درصدد بر آمد به دست «تاریخنگاران» و «محققان» گوش به فرمان استالین و حزب کمونیست شوروی، برای آذربایجان ایران شناسنامه ای مجعول، مناسب با سیاست تجاوزکارانه ی خود بسازد، و از جمله عده ای از مشاهیر علم و ادب ایران را «ترک» بنامد. متصدیان اجرای این برنامه سال هاست به کار خود مشغول اند، و دروغ سازان و دروغ پردازان دولت شوروی سابق و اینک جمهوری آذربایجان_ دقیقاً در تعقیب سیاست های پان ترکیست های ترکیه_ در این زمینه گام بر می دارند. (متینی، ۱۳۸۳: ۴۵۵)

وقتی یک اندیشه و ایدئولوژی آنقدر خیالی و رؤیایی می شود که سرزمینی به وسعت توران بزرگ را در قالب یک ملت که همگی از نژاد ترک بوده است و به زبان ترکی سخن می گویند تصور کند؛ برای ساختن پایه های تمدنی و تاریخی آن نیز به جز خیال و چنگ زدن به دارایی های دیگران چاره ی دیگری نخواهد داشت. پان ترکیسم به تعبیر اکثر پژوهشگران بی طرف این حوزه، بیشترین تحریف و جعل را در رویدادهای تاریخی داشته است، آنها نه تنها عنوان و چیستی سرزمین ها را تحریف نموده اند بلکه به مصادره به مطلوب شخصیت های سایر ملل و اقوام نیز پرداخته اند. لذا همواره یکی از محورهای فعالیت پان ترکیست ها و پان آدریست ها تحریف بوده است. برای مثال به صورت تیتروار به برخی از این تحریفات اشاره می شود؛ تحریف در نام توران، ادعای وجود یک آذربایجان مستقل تاریخی، تحریف نام آران، تحریف در معاهده های گلستان و ترکمنچای، تأکید بر عنوان های ساختگی «آذربایجان شمالی» و «آذربایجان جنوبی»، تحریف واقعیات فرقه ی دموکرات آذربایجان، تحریف در ماهیت واقعه ۳۱ دسامبر ۱۹۸۹ (یا ۱۹ ژانویه ۱۹۹۰)، تحریف هویت ایرانی شخصیت ها و چهره های مهم ایرانی نظیر نظامی گنجوی و فضولی، ضعیف نشان دادن و وابسته کردن زبان پارسی تنها به قوم پارس، نشان دادن تباری غیر ایرانی برای قوم آذری، یکسره رد کردن وجود اصطلاح و تبار آریایی و تاریخ ایران باستان و

بررسی نقش گفتمان پان ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

همچنین القای این موضوع که واژه و نام ایران پیشینه‌ای ندارد، ترک خواندن مادها، سکاها، سومری‌ها، ایلامی‌ها، اورارتویی‌ها، میتانی‌ها، مانناییان، تورانیان، اشکانیان و...، دست بردن در جای نام‌ها برای مصادره این نام‌ها به سود خود: به عنوان مثال اورمو (ارومیه)، باکی (باکو)، فارسستان (ایران)، افشاریورد (خراسان)، ادعای ترک بودن سنت عید نوروز و مراسم مربوط به آن

۳-۶- ضدیت با سایر اقوام و زبان‌ها

پان ترکیسم در مینا و معنا، به جهت ماهیت ترک مدارانه‌ای آن با سایر اقوام و زبان‌ها سر نزاع و ضدیت داشته و در آرمان‌نمایی خود (توران بزرگ) جایی برای سایر اقوام و سایر زبان‌ها در نظر نگرفته است و اصولاً در این اندیشه، امکان زیست برای غیر ترک‌ها امری ناممکن تصور شده است. فلذا در طول تاریخ ضدیت پان ترکیسم را با اقوام غیر ترک شاهد بوده ایم، حال این ضدیت به صورت تهاجم فرهنگی، ادبی، سیاسی و... باشد و یا به صورت نزاع و کشتار. آنچه که به نظر مسلم می‌رسد، اینکه هر جا امکان پاکسازی از طریق درگیری فیزیکی و جنگ برای پان ترکیست‌ها فراهم بوده، پان ترک‌ها از آن دریغ نداشته‌اند و هر جا که این امکان وجود نداشته است، از راه‌های غیر نظامی به ضدیت با اقوام غیر ترک پرداخته‌اند. البته ضدیت آنها با اقوام مجاور ترک‌ها، نظیر کردها، فارس‌ها، ارمنه و... در طول تاریخ نمایان‌تر بوده است؛ چنان‌که در بخش‌های قبلی ضدیت پان ترکیست‌ها با ایرانی‌ها و فارس‌ها را بررسی کردیم. هرچند در طول تاریخ تضاد و نزاع ترک‌ها با دیگر اقوام، که منجر به قتل، غارت، کوچ اجباری و... شده است، برخی نسل‌کشی معرفی می‌کنند و برخی نیز آن را کشتاری معمولی و نه در حد نسل‌کشی قلمداد نموده‌اند. ولی آنچه اهمیت دارد، توجه به متن موضوع است و آن ضدیت با سایر اقوام توسط پان ترکیست‌ها می‌باشد.

پان ترکیست‌ها در آستانه زوال امپراتوری عثمانی درصد برآمدند یک کشور یک دست ترک بسازند و بدین منظور اقلیت‌های غیر ترک را مجبور به مهاجرت از موطن اصلی خود کردند و بجای آنان، اقوام ترک و یا اقوام ترک شده را به جای آنان ساکن کردند. در خلال این کوچ‌های اجباری که اغلب با خشونت و نیز تجاوز جنسی به زنان و دختران صورت می‌گرفت، شمار قابل توجهی از اقلیت‌های غیر ترک به کام مرگ فرستاده شدند. به عبارتی دقیق‌تر؛ چهار نسل‌کشی اقلیت‌های غیر ترک توسط پان ترکیست‌ها به وقوع پیوسته است: نسل‌کشی ارمنه (ورامینی، ۱۳۹۲)، نسل‌کشی

یونانیان(همان)، نسل کشی کردها معروف به کشتار درسیم^۱ (آذین، ۱۳۹۰: ۶۲) و نسل کشی آشوریان (همان: ۶۴)

۳-۷- نمادسازی

مفهوم سازی و در پی آن نمادسازی، برای پایداری هر اندیشه ای(چه مثبت و چه نفی) امری ضروری است. اما نماد سازی در اندیشه های منفی، منحرف و باطلی همچون پان ترکیسم که در مفهوم سازی دچار ضعف و نقصان بوده، برای پایداری و دام، ابزار هویتی قابل تکیه ای ندارند، اهمیت دوچندانی پیدا می کند، لذا سردمداران تولید و نشر این اندیشه ها، سعی می کنند، نواقصات و ضعف های بدیهی خود را در حوزه ی مفهوم سازی، با تکیه بر نمادسازی ها جبران کنند تا بدین ترتیب بتوانند در پایداری، دوام بخشی و به دنبال آن همگانی کردن اندیشه ی خود دچار مشکل نشوند. لیکن در نمادسازی نیز به جهت انحراف مفاهیم آنها و نیز عموماً به جهت تناقضات درونی این اندیشه ها، مجبور هستند نمادهایی افسانه ای و تخیلی را برای خود بتراشند و یا نمادهای دیگران را به نام خود و برای منافع خود مصادره نمایند.

در اندیشه ی پان ترکیسم نیز همان وضعیت موصوف در مطالب فوق را برای نمادسازی داریم. به طوری که نمادسازی و تکیه بر نماد را از نشانه های اصلی گفتمان پان ترکیسم قلمداد نمود. در اینجا به برخی از نمادهایی که مورد استفاده و تأکید پان ترک هاست اشاره می کنیم، اما اشاره به همه ی نمادها خارج از وظیفه این تحقیق است.

الف- بوزقورد^۲

بنا به گفته ی پان ترکیست ها؛ افسانه “بوزقورد” یا “گرگ خاکستری” از افسانه های کهن ترکان است و ریشه هزار و پانصد ساله دارد، این افسانه در حدود یکصد و نود و یک سال به عنوان ایدئولوژی رسمی امپراتوری “گوک ترک” یا “ترکان آسمانی” بود و از دریای چین تا دریای سیاه بشکل های گوناگون سینه به سینه نقل می شد و توسط پیکر تراشان به صورت تندیس های مختلف تراشیده و در شهرهای مختلف نصب می گردید .

1. Dersim
1. Bozgurd

بررسی نقش گفتمان پان ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

هرچند در این خصوص افسانه های مختلفی ذکر شده است، لیکن بیشتر این افسانه بر سرزبان ها افتاده است که نسل جدید ترک از وصلت پسرک ترک با گرگ پا به عرصه وجود می‌نهد و در نسل‌های بعدی آنها عاقبت امپراطوری عظیم "گوک ترک" یا "ترکان آسمانی" (ترک های آبی) را از دریای چین تا دریای سیاه بنا می‌نهند. (مدرسی و دیگری، ۱۳۹۱: ۹۵)



« نماد بوزقورد »

در هر حال نماد بوزقورد یکی از نمادهای مهم پان ترکیسم به حساب می‌آید و مخصوصاً به جهت راحتی نشان دادن این نماد، به وسیله ی یک دست، مورد استقبال محافل پان ترکیستی قرار گرفته است و در طول سالیان اخیر در فرصت ها و مناسبت های مختلف مورد استفاده پان ترکیست ها قرار می‌گیرد.

ب- قلعه بابک

قلعه جمهور معروف به دژ بابک در ۵۰ کیلومتری شمال شهرستان اهر و در ارتفاعات غربی شعبه‌ای از رود بزرگ قره سو قرار دارد؛ منطقه‌ای که به نام کلیبر معروف است. دژ بابک خرم‌دین، دژی است بر فراز قله کوهستانی در حدود ۲۳۰۰ تا ۲۷۰۰ متر بلندتر از سطح دریا. اطراف این قلعه را از هر طرف دره‌های عمیقی با ۴۰۰ تا ۶۰۰ متر عمق فرا گرفته است و تنها از یک سو راهی باریک و صعب العبور جهت دسترسی به این قلعه وجود دارد. قلعه بابک که به نام‌های قلعه بابک، دژ بابک، بزد و قلعه

جمهور هم معروف است دژ و مقر سردار تاریخی ایران، بابک خرم‌دین بوده است که در هنگام قیام بر علیه دستگاه خلافت عباسی در قرن سوم هجری ساخته شده است. (اعتضادی، ۱۳۸۶)

این قلعه به علت منتسب بودن آن به بابک، مورد توجه پان ترکیست ها قرار گرفته است. مبلغین پان ترکیسم، با اقدامی منسجم و سازمان یافته، از یک طرف هویت بابک و تاریخ مربوط به او را مورد دستبرد قرار داده و این شخصیت ایرانی را برای اهداف خود مصادره کرده اند، از طرفی هم در تبدیل کردن قلعه ی بابک به یک نماد و سمبل پان ترکیسم، تلاش داشته اند، که به نظر می رسد، در این نمادسازی موفق بوده اند، چراکه هرگاه سخن از صعود به قلعه بابک مطرح می شود، ناخودآگاه فکر و ذهن مخاطبین به افکار پان ترکیستی سوق می یابد. علاوه بر جوسازی رسانه ای در این خصوص، گروه های پان ترکیسم با برگزاری مراسمات جشن و تجمعات مختلف در قلعه بابک، در روز دهم تیر ماه (که آن را روز تولد بابک می خوانند) در این نمادسازی و به عبارتی مصادره به مطلوب کردن یک نماد ایرانی بسیار زیرکانه وارد عمل شده اند.

ج- دده قورقود

افسانه دده قورقود، داستان زندگی قوم اوغوز از اقوام معروف و قدرتمند ترک است. تاریخ شکل گیری داستان های دده قورقود قرن ششم تا یازدهم میلادی عنوان شده است. کتاب دده قورقود به عنوان یکی از متون کهن ادبی زبان ترکی اوغوزی مشتمل بر یک مقدمه و ۱۲ داستان می باشد که از روزگاران قدیم توسط آشیق ها و هنرمندان مردمی آذربایجان در قالب ادبیات شفاهی حفظ و به نسل های بعد منتقل شده است. (واحدی، ۱۳۸۲: ۸۷)

داستان دده قورقود با شیوه ای بدیع صحنه ها و پرده هایی از دورنمای زندگی حماسه آمیز و ماجراهای پرشور گروه هایی از چادر نشینان را که در دورانی از تاریخ به سرزمین امروزی آذربایجان آمده اند و به مرور به پهنه تاریخ پر حادثه این دیار پیوسته اند، بازگو می کنند. در واقع این اثر حماسی - تاریخی داستان هایی از زندگی حماسه آمیز مردان و زنان قبیله اوغوز را به تصویر می کشد که به حالت نیمه عشیرتی به اتکای روال حشم داری در پناه چادر زندگی می کردند و به اقتضای شرایط دورانی که به آن تعلق دارند، جنگاوری و مردانگی را از هر افتخاری برتر می شمارند.

در هر حال دده قورقود و داستان های آن به دست مبلغین پان ترکیسم مصادره به مطلوب گردیده و به نمادی برای اهداف پان ترکیستی تبدیل شده است. هرچند مکان های جغرافیایی یاد شده در داستان

بررسی نقش گفتمان پان ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

های دده قورقود (شهرها، کوه‌ها، رودها، و...) هیچ ربطی به ایران و آذربایجان‌اش ندارند و همگی در قفقازیه (اران، به اصطلاح جمهوری آذربایجان کنونی) و شرق آناتولی واقع‌اند، اما مبلغان دروغ‌پرداز و فریبکار پان ترکیسم، در راستای القای آذربایجان واحد، آن را به آذربایجان ایران نیز نسبت می‌دهند. تا بتوانند این نماد سازی را برای منطقه‌ی آذربایجان ایران نیز جا انداخته و اهداف الحاق‌گرایانه‌ی خود را در پی آن تعقیب نمایند. سایت‌ها، شبکه‌ها، محفل‌ها، مجالس و ... پان ترکیستی کمتری را می‌توان یافت که گریزی هرچند کوتاه به دده قورقود نداشته باشد. امروز مجسمه‌ی دده قورقود در برخی مناطق جمهوری آذربایجان نصب شده و پان ترک‌ها، در جمهوری آذربایجان، با نام گذاری برخی مکان‌ها به این نام سعی در پررنگ کردن و صورت‌نمادین دادن به دده قورقود هستند.

د- تراکتورسازی

آنچنان که قبلاً نیز اشاره شد؛ جنبش‌هایی نظیر پان ترکیسم در نمادسازی، دنبال معنی خاص و مفهوم حساب شده، از آن نماد نیستند، بلکه به علت خالی بودن دستشان به لحاظ محتوا و مفهوم بیشتر به دنبال نمادسازی به عنوان ابزار هستند و شاید بتوان آن را ابزار سازی نامید تا نمادسازی. در هر حال پان ترکیست‌ها هر فرصتی را مناسب مصادره‌بینند سریع اقدام می‌کنند و رنگ قوم‌گرایی به آن زده و آن را به سنبلی برای پان ترکیسم تبدیل می‌نمایند. حال اگر این فرصت در داخل کشور برای آنها مهیا شود بهتر خواهد بود، چراکه می‌توانند خود را از درون افسانه‌ها و تناقضات، آن هم اکثراً در فضای مجازی و رسانه‌ای، خود را به متن جامعه بکشانند. یکی از این فرصت‌ها را می‌توان تیم فوتبال تراکتورسازی تبریز دانست، تیمی که طرفداران آذری آن، به این تیم "تراکتور" می‌گویند.

این تیم در رسانه‌های پان ترکیسم از جمله گونا تی وی نماد ملت آذربایجان معرفی می‌شود. گونا تی وی، تمامی اخبار مربوط به این تیم را انعکاس کامل می‌دهد، اما در پوشش این انعکاس خبری، ضمن القای دشمنی شدید بین فارس و ترک زبان‌ها در ایران به مخاطبین خود، در این خبرها مفاهیم و شعارهای پان ترکی را القا می‌نمایند و در راستای نمادسازی برای جریان پان ترکیسم بر می‌آید. به عنوان مثال با مراجعه به سایت گونا تی وی به نمونه‌ای اشاره می‌شود:

«گونا تی وی: تیم فوتبال تراکتور آذربایجان بار دیگر توانست بر آبی پوشان تهرانی غلبه کند. در جریان بازی و نیز پس از اتمام این دیدار، درگیری‌هایی بین طرفداران دو تیم در سکوها روی داد که مأموران نیروی انتظامی با جانبداری از طرفداران استقلال به ضرب و شتم تراکتورچی‌ها پرداختند. در جریان بازی نیز طرفداران استقلال بارها شعارهای نژادپرستانه سگ محور سر دادند که البته هر بار با شعار

یاشاسین آذربایجان طرفداران تراختور روبرو گشتند. پس از پایان بازی درگیری بین طرفداران دو تیم به اوج رسید و طرفداران استقلال اقدام به پرتاب انواع اشیا به سمت تراختورچی ها نمودند. پس از آن نیز ماموران نیروی انتظامی و لباس شخصی ها به سمت تراختورچی ها هجوم آورده و به جای برخورد به طرفداران استقلال به ضرب و شتم طرفداران تراختور پرداختند.» (سایت گونا تی وی، ۲۰۱۴/۰۷/۲۵)

۳-۸- برجسته کردن گزاره های فمینیستی

نظریه ها و آموزه های فمینیستی گوناگون اند، اما ویژگی مشترک آن ها تمایل به بالا بردن نقش اجتماعی زنان، از هر راه ممکن است. بنابراین، درون مایه های زیر بنایی فمینیسم عبارت اند از این که نخست، نابرابری جنسی یا جنسیتی از ویژگی های جامعه است، و دوم، این ساختار قدرت مردانه را میتوان و باید برانداخت. (هیوود، ۱۳۹۱: ۹۱)

افزایش جذب افراد و گسترش دایره تاثیر گذاری در جامعه، به هر نحو ممکن هدف مشترک همه گروه های قومی می باشد، در این میان پان کیست ها نیز بمانند دیگر گروه های قومی به دنبال جذب و همراه ساختن خیل عظیم جمعیت زنان در حرکت های قومی خود می باشند، لذا برجسته کردن گزاره های فمینیستی در گفتمان پان ترکیسم به نشانه ای مهم تبدیل شده است و پان ترکیست ها از راه های مختلف از جمله ارائه مقالات و بیانیه های مختلف در فضای مجازی و با زیر سوال بردن سیاست های جمهوری اسلامی ایران در خصوص زنان مثل حجاب اجباری در کشور، به دنبال جذب نشان دادن ایده پان ترکیستی خود و جذب بیشتر زنان جامعه ایران هستند.

نشر و ترویج اندیشه فمینیستی، القای آزاد بودن زنان در ترکیه و آذربایجان، ضدیت با حجاب، محدودیت های زنان ایرانی، از بین رفتن استعدادهای زنان ایرانی و... از جمله تبلیغات پانترکیست ها در فضای مجازی محسوب می شود.

در مقاله ای که در سایت پان ترکی گادپ در خصوص جنبش زنان آذربایجان (به اصطلاح) جنوبی آمده است: «جنبش زنان در هیچ کشوری اعم از صنعتی یا غیر صنعتی، پیشرفته یا جهان سومی، جنبشی انقلابی نبوده است و سال ها برای کسب طبیعی ترین حقوق مبارزه مستمر انجام گرفته، بی شک جنبش زنان آذربایجان جنوبی هم از این اصل مستثنی نیست. اما از سویی دیگر توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که تا کنون هیچ حقی به طور تمام و کمال به زنان داده نشده مگر با تغییر بنیادی در جامعه. نگاهی به قبل و بعد انقلاب شوروی، انقلاب فرانسه، روی کار آمدن آنا تورک، حکومت فرقه دموکرات پیشه وری و بسیاری از جریانات اجتماعی-سیاسی که از پس آن شاهد تغییراتی در حقوق زنان هرچند به طور نسبی هستیم گواهی بر این گفته است. لذا جنبش زنان آذربایجان

جنوبی نیز اعتقاد به احقاق کامل حقوق خود تنها زیر پرچم آذربایجان جنوبی دارد.» (زونوزلی، ۱۳۹۱)

در دیگر وب سایت های مربوط به پان ترکیست ها نیز همین مضامین قابل جستجو می باشد و تقریباً همه سایت های قوم گرا اخبار و بیانیه های فمینیستی روز ۸ مارس (روز جهانی زن) را بازتاب داده و سخنرانی های پان ترکیست ها را در این روز با حواشی آن منعکس می نمایند.

نتیجه گیری

پس از مشخص شدن کامل نشانه ها و عناصر گفتمان پان ترکیسم، بدون هیچ توضیح اضافی و فقط با اندکی تأمل در مفاهیم و معانی واژگانی که پیرامون نشانه های آن شکل گرفته تعارض شدید این گفتمان، با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مشخص می گردد. نشانه هایی مثل تجزیه طلبی، ایران ستیزی، ضدیت با سایر اقوام و جعل تاریخ و سرزمین، فارغ از نوع و ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران اساساً برای امنیت ملی کشور تهدید به شمار می آیند. چرا که این عناصر، یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور را تهدید نموده و بحران یکپارچگی را به دنبال می آورند و بحران یکپارچگی، توانایی و منابع داخلی را به تحلیل برده و توان سیاسی کشور را در داخل و خارج فلج می سازد. بنابراین پان ترکیسم با آموزه ها و نشانه های متعلق به آن، در بحث یکپارچگی ملی چالش مهمی برای کشور محسوب می شود و این یکپارچگی را در حد یک بحران جدی تهدید می کند.

از طرفی با توجه به ماهیت اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران، اسلام ستیزی پان ترکیسم و آموزه های ضد دینی آن، اساس امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را نشانه گرفته است. از همین روست که همواره اسلام ستیزی در گفتمان پان ترکیسم بیش از سایر عناصر مورد توجه دشمنان جمهوری اسلامی ایران بوده است، چنانچه ساموئل زولیر، مسیونر معروف غربی می گوید: «نخستین کار برای ریشه کن کردن اسلام ایجاد قوم گرایی است.» (مهتری کارنامی، ۱۳۸۸: ۴۹) در مقابل، برای نظام اسلامی ایران توجه به اسلام ناب و ترویج آن هم در بعد داخلی و هم در بعد خارجی عامل اقتدار و پایداری امنیت ملی محسوب می شود، چرا که فلسفه، ماهیت و چرایی انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران با اسلام گره خورده و منافع ملی آن بر این اساس شکل گرفته است.

در مجموع جای بحث باقی نمی ماند که گفتمان پان ترکیسم ماهیتاً با اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران، مغایر بوده و بسط و ایجاد زمینه برای هژمونی یافتن این گفتمان برای امنیت ملی کشور به صورت جدی خطرناک بوده و این گفتمان برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران یک تهدید اساسی

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره چهل و سوم، زمستان ۱۳۹۳

محسوب می شود. لذا به خاطر رابطه تهدید آمیز این گفتمان با امنیت ملی بایستی در برنامه ریزی مدیریت کلان امنیت ملی، حذف و نابودی گفتمان پان ترکیسم، مورد توجه قرار گیرد و این مهم بر خورد امنیتی و نگاه بدون اغماض به آن را می طلبد.

منابع و مأخذ

- ۱- احمدی، ح (۱۳۸۸). نقد کتاب پان ترکیسم و ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال دهم، شماره ۲، تابستان، صفحه ۱۸۸-۱۸۳.
- ۲- آذین، س (۱۳۹۰). همه نسل کشی های عثمانی ها، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال دوم، شماره هجدهم، دی، صفحه ۶۴-۶۰.
- ۳- آشوری، د (۱۳۸۷). دانشنامه سیاسی، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات مروارید.
- ۴- اعتضادی، ش (۱۳۸۶). قلعه بابک، پرتابل جامع گردشگری نمای ایران، تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۴/۱۳
- ۵- برتون، ر (۱۳۸۰). قوم شناسی سیاسی، ترجمه ن، فکوهی. تهران: نشر نی.
- ۶- بوزان، ب (۱۳۸۹). مردم، دولتها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- بیات، ک (۱۳۸۷). پان ترکیسم و ایران، چاپ اول، تهران: شیرازه.
- ۸- پورقلی، م (۱۳۸۶). قومیت گرایی در آذربایجان؛ ماهیت و عملکرد، نشریه حصون، شماره ۱۴، زمستان، صفحه ۱۹۵-۱۸۴.
- ۹- رضا، ع (۱۳۷۲). آذربایجان و آران (آلبانیای قفقاز)، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- ۱۰- روحی، ن (۱۳۸۱). بازخوانی اندیشه سیاسی در ترکیه (روای پان ترکیسم)، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۵، پاییز، صفحه ۱۶۹-۱۵۷.
- ۱۱- زونوزلی، ی (۱۳۹۱). جنبش زنان آذربایجان جنوبی و پاسخی بر نقدهای موجود، پایگاه اینترنتی گروه (پان ترکیستی) گادپ، تاریخ انتشار: ۹۱/۰۷/۰۴
- ۱۲- صدرا، م (۱۳۸۶). نظریه های گفتمان (از زبان شناسی تا علوم سیاسی)، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۹-۱۰، تابستان و پاییز، صفحه ۲۱۲-۱۷۵.
- ۱۳- عظیمی، م (۱۳۸۵). قومیت و قوم گرایی، ماهنامه گزارش، شماره ۱۷۷، مرداد، صفحه ۶۵-۶۴.
- ۱۴- کاظمی، الف (۱۳۸۵). پان ترکیسم و پان آدریسم (مبانی، اهداف و نتایج)، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- ۱۵- لاندو، ج (۱۳۸۲). پان ترکیسم - یک قرن در تکاپوی الحاق گری، چاپ اول، تهران: نشر نی.

بررسی نقش گفتمان پان ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

- ۱۶- مارش، د و استوکر، ج (۱۳۸۴). روش و نظریه در علوم سیاسی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۷- متینی، ج (۱۳۸۳)، دروغ های بزرگ درباره آذربایجان، فصلنامه ایران شناسی، دوره جدید، سال ۱۶، شماره ۲:
- ۱۸- مدرسی، ف و عزتی، الف (۱۳۹۱). مشابهات برخی از اسطوره های توتیمیک ایرانیان و ترکان، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال ۸، شماره ۲۹، زمستان، صفحه ۱۰۷-۸۳.
- ۱۹- مرشدی زاده، ع (۱۳۸۰). روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- ۲۰- مهری کارنامی، م (۱۳۸۸). آسیب شناسی تأثیر قومیت گرایی بر امنیت ملی، حصون، شماره ۱۹، بهار، صفحه ۴۷-۵۱.
- ۲۱- واحدی، الف (۱۳۸۲). برآورد استراتژیک آذربایجان (سرزمینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی)، جلد یک، چاپ اول، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران، کتاب برآورد استراتژیک.
- ۲۲- ورامینی، م (۱۳۹۲). پان ترکیست ها و پنج نسل کشی در قرن بیستم، پایگاه خبری پیام آفتاب، کد خبر: ۲۱۵۰۲، تاریخ انتشار خبر: ۵/۱/۱۳۹۲:
- ۲۳- ولیپور زرومی، س (۱۳۸۳). گفتمان های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۴- هیوود، الف (۱۳۸۹). سیاست، ترجمه ع، عالم (۲۰۰۲)، چاپ دوم، تهران: نشر نی.